

## پاکستان مرکز القاعده و طالبان خطر بزرگ برای صلح و امنیت جهان

انگلسها بعد از اینکه غرور شکست ناپذیر شان با امپراطوری پهنور که در آن افتاب غروب نمی کرد، ذریعه مبارزان دلیر افغان با شکست مرگبار مواجه گردید، غرض انتقام ازین رادمردان بیباک تاریخ دست به عملیات مخفیانه زدند و به عوض مقابله و رویا روی به دیپلماسی و کار اجنتوری روی آورد و در مدت کمتر از یک دهه انتقام خویشرا از قهرمان استقلال افغان را در وجود یک دزد حرفوی بنام بچه سقا گرفت و کلیه عملیات را از پشاور رهبری میکرد.

در نتیجه مبارزات ازادخواهانه مردم ستمدیده مستعمرات، انگلیسها مجبور شدند تا به آنها این حق طبیعی که داده نمیشود ولی به زور شمشیر رادمردان از چنگال خونین امپریالیزم گرفته میشود آنها نیز در نیم قاره هندوستان به دادن استقلال تن در دادند و باید که کشور هندوستان مستقل میشد ولی بدبختانه که در وجود اجنهای انگلیس یک کشور غیر طبیعی و مصنوعی نیز باید به میان بیاید که از لحاظ تاریخی و طبیعی برای آن نام وجود نداشت لذا نام آنرا از روی فال نیک و استفاده وسیع در آینده آنرا "پاک ستان" نام گذاشتند که صبغه مطلق مذهبی بوده ولی در نظامیان آن نه عقیده وجود دارد و نه هم بنام پاکی چیزی را میسناسند.

اما واقعیت این است که ایجاد پاکستان غیر طبیعی و مصنوعی بخاطر انتقام از انانیکه غرور شکست ناپذیر، و امپراطوری شکست ناپذیر آنها را با شکست مرگبار مواجه ساخته بود، میباشد.

این سرزمینها عبارت اند از هندوستان و افغانستان این مشت طبیعی و اهنین طبیعت که هرگز متجاوز را ولو سوپر پاور نیز بوده باشد به زانو در آورد و آنرا حتماً در نتیجه مبارزات ازادببخش به شکست مواجه ساخته. که البته انتقام از مبارزان دلیر افغان بارها گرفته شد و سلسله آن مثل سریال فلم ادامه دارد.

دومین سرزمین که انگلیس باید از آن انتقام بگیرد سرزمین پناور هندوستان بوده، لذا پاکستان مصنوعی که باید شمشیر داموکلس باشد بر سر مردمان ازادخواه این سرزمینهای ازادمنش منحیت ژندارم منطقه ایجاد شد.

تاریخ زنده شاهد آن است که سنگ تهداب پاکستان با تجاوز، عظمت طلبی و خون بنیاد گذاشته شده و تا زمانیکه پاکستان مصنوعی، غیر طبیعی و عظمت طلب موجود باشد تا همان روز جنگ نیز باید باشد، ویا اینکه هرگاه جنگ نباشد طبعاً پاکستان نیز نخواهد بود پس جنگ و پاکستان با هم تناسب مستقم داشته ودر این تناسب امپریالیزم کهنه کار انگلیس که مثل گاو پیر کنجاره به خواب میبندد نیز تناسب مستقیم داشته و از این دانه سرطان تا انگلیس باشدمنحیت ژندارم منطقه مورد استفاده آنان خواهد بود.

بازی بزرگ جدید زمانی شدت گرفت، که افغانستان جنگ زده بعد از سی دهه جنگ تباکن در وجود جامعه جهانی بعد از نابودی لانه شیطان القاعده و طالبان به حیث یک کشور مستقل، دارای هویت قبلی تاریخی دوباره عرض وجود کرد و از استعمار پنجابیهایی بی تنبان، القاعده بی ایمان و طالبان قرون وسطای نجات یافت و این گوساله طلای از چنگ استعمارگران تازه به دوران رسیده نجات یافت.

پاکستان اسلامی که در نتیجه اشغال افغانستان در دهه هشتاد ذریعه خرس قطبی و سرازیر شدن کمکهای فراوان مالی غرض نجات افغانها از خرس قطبی نصیب اداره جاسوسی ای-ایس-ای گردید و همین منابع هنگفت بود که نظامیگران آن کشور با دزدی تخنیک تولید سلاح هستوی صاحب سلاح هستوی "اسلامی" شدند و به صراحت مصمم هستند تا آنرا به مردم صلح دوست هندوستان و بزرگترین دموکراسی جهان بنام جهاد علیه کفار استعمال خواهند کرد و این ذات خود آغاز جنگ هستوی چه اسلامی و چه غیر اسلامی خواهد بود.

این سوال مطرح میشود که جامعه بین المللی و رهبر سیاه پوست در قصر سفید چرا به موقع ازین فاجعه جلوگیری نمکند؟

ناتو وخصوص امریکا افغانستان را بنام مرکز القاعده و طالبان در ظرف چند ساعت بمباردمان، لانه این خطر بزرگ را نابودکرد، اما امروز چرا با رژیم که بنیاد آن ترور، جنگ و وحشت است به معامله گیری آغاز کرده است چرا؟

ايا عمليات تروريستي در بمبي هند نمونه از ترور دولتي نبوده؟  
ايا نابودي قطارهاي اكمالاتي كه به نيروهاي صلح ملل متحد در افغانستان اكمالات ميگردد در اطراف پشاور و ان هم به روز روشن و به شكل خشن و تكراري ان با وجود اردوي ميليوني پاكستان ، اگر پلان قبلا طرحه شده دولتي نباشد پس چيست؟

ايا عمليات تروريستي بمبي هندوستان و نابود كردن مكرر قطارهاي اكمالاتي ناتو به افغانستان با هم ارتباط منطقي و دياليكتيكي ندارند؟

ايا اين همه اعمال تروريستي القاعده و طالبان يكجا با رهبران نظامي پاكستان نشاني ان كه آنان مي خواهند تا راه را براي يك جنگ تباه كننده و استعمال سلاح هستوي "اسلامي" آماده نمايد نيست؟

ايا شامل كردن چهارتن از جنرالان عمده استخبارات اي-ايس-اي درلست سياه تروريستي نمونه مشت از خروار نيست؟ كه در راس ان اصلا بايد مشرف ميبود زيرا كه بعد از بينظير بوتو كه بنام مادر طالبان مشهور بود ايا مشرف منحيت پدر طالبان نبود؟

ايا اگر چهار تن با القاعده و طالبان وفادار باشند متباقي جنرالان اي-ايس-اي را كي ميتواند كه تضمين بكند كه آنها با تروريستان نخواهد بود؟

پاكستان بنام مقابله با القاعده و طالبان پول هنگفتي كمائي كرد اما نتيجه ان نابودي القاعده و طالبان بود ويا برعكس ان تقويه هرچه بيشتري تا اين سر حد كه پاكستان را به مركز خطر جنگ نابود كننده هستوي كشاننده است، وايا اين جنرالان متباقي راه را براي استعمال سلاح هستوي "اسلامي" جستجو نمي كند؟

ايا جنرالان پاكستاني كه برخلاف كلييه نورمهاي انساني، اسلامي و بين المللي تخنيك سلاح هستوي را در مقابل پول هنگفتي با كورياي شمالي، ايران وليبيا فروخت، امكان ان بعيد است كه بنام خدمت به اسلام و جهاد سلاح هستوي شانرا بدسترس القاعده و طالبان بگذارند و جنت فردوس را يكجا با ميليون ها دالر كمائي بكنند؟

تاريخ ثابت ساخته است كه امريكا به عراق و صدام حسين تا زماني ضرورت داشت تا از رژيم اخوندي ايران انتقام گيرد، اما به مجرد يكه اين ضرورت رفع گرديد ديگر صدام مثل ديروز نه يار و اشناي فاميل بوش بود و نه دوست امريكا، عراق تحت رهبري صدام ديگر ضرورت حياتي نبود بلكه نابودي ان يك ضرورت حياتي بود.  
ايا امريكا با نابود كردن دانه سرطان اروپا (ميلاسيوپچ) يوگوسلاويا را با بمباردمان كردن يكماهه براي ابد از مشكل ان منطقه رهايي نيافت؟

ايا با نابودي پاكستان به اجزاي طبعي ان و به ميان آمدن كشور هاي جديد مستقل از كشمير باستاني تا بلوچستان تاريخي و از مهاجرتيش گرفته تا سنديش و پشتونستان محكوم ، كدام خطر براي امريكا و منطقه خواهد بود ويا اينكه هر كشور مستقل مدافع منافع جامعه بين المللي و بخصوص امريكا خواهند بود و امريكا نيز اين ادعاي شان را كه ضد تروريزم و خواستار كشورهاي مستقل بر اساس هويت تاريخي ان مثليكه در يوگوسلاويا انرا ثابت ساخت بوده، چه تاوان خواهد داشت؟

اگر امريكا و ناتو به شمول ملل متحد به موقع از بروز خطر از پاكستان كه مثل افغانستان ديروز، به مركز تروريستان جهان مبدل گرديده است نگيرد و به موقع به عمليات نجاتبخش مثليكه در يوگوسلاويا انجام داد ، تصميم نگيرد در اينده نزديك خطر مطلق مشتعل شدن يك جنگ خظير در وجود مثلث القاعده، طالبان و نظامگران پاكستان ممكن است، كه در ان صورت جلوگیری منع جنگ هستوي "اسلامي" نيز ممكن نخواهند بود.

پايان